

## اروپا: بسوی رویارویی با جهان اسلام

دمیتری سدوف

(Dmiriy Sedov)

<http://www.fondsk.ru/news/2015/01/16/evropa-kursom-na-konfrontaciju-s-mirom-islama-31364.html>

مترجم: ا. م. شیری

<https://eb1384.wordpress.com/2015/02/10/>

۱۱ بهمن - دلو ۱۳۹۳

طی چند روز گذشته پس از وقوع عملیات تروریستی ۷ ژانویه [سال ۲۰۱۵] در پاریس، چگونگی وقوع این جنایت بدست فراموشی سپرده شد و راهپیمایی برای اعلام هفته نامه مبتدل و نیمه پورنوگرافیک «شارلی هبدو» بمثابه نماد آزادی اروپا در اولویت قرار گرفت. تیراژ آخرین شماره این مجله که در ۱۴ ژانویه انتشار یافت، ابتدا به ۲ و سپس تا ۵ میلیون نسخه رسید. فکر جدید بر مغز اروپائیهها حفته شد: «ما اجازه نمی دهیم مسلمانان ارزشهای ما را لگدمال کنند». مدافعان «ارزشهای اروپائی» قتل مصحح مجله را تا پایان منطقی کار- گذاشتن علامت تساوی بین اسلام بمثابه یک جهان بینی و تروریسم زیر پرچم اسلام می رسانند.

همزمان آماده سازی جامعه اروپا به قبول تحولات سیاسی جریان دارد. پردازش جامعه بشکل تحکیم موانع قانونی، بازنگری موازین مهاجرتی، تقویت نظارت سیاسی بر فعالیت انجمن های عمومی مسلمانان بمثابه گامهای بعدی آن در نظر گرفته شده است. مسئله شرکت گسترده فرانسه در جنگ علیه «دولت اسلامی» در سوریه و عراق در اولویت قرار خواهد گرفت. در شرایط شکست کامل چند فرهنگی بدنام، می توانند از قدرت قانون برای وادار کردن مسلمانان به خودداری از اظهار تعلق دینی خود در اماکن عمومی استفاده نمایند. مسلمانان متولد فرانسه، که حاضر به فرانسوی شدن نیستند، در این کشور بیگانه تر خواهند شد.

بین اروپای پسامسیحی و مسلمانان اروپا شکاف فرهنگی ایجاد شد. نخبگان غربی ضربان سنگینی بر شعور اروپائیان وارد می آورند. اخیرا، اروپائیان بی اعتنائی خود را نسبت به صدها هزار نفر قربانی تمدن غرب در دنیای اسلام نشان دادند. کشتار انسانها در افغانستان، عراق، لیبی، سوریه و سایر کشورهای اسلامی آنها را تکان نمی دهد. آنها حملات تروریسم بین الملل به روسیه و کشتارهای فاشیستی در اوکراین را تشویق می کنند. اما ناگهان در پی قتل ۱۲ نفر اعضای هئیت تحریریه هفته نامه پاریس دنیا در اذهان آنها واژگون گردید. این تحول با فضای روانی قبل از تهاجم مسلحانه ائتلاف غرب به افغانستان در سال ۲۰۰۱ قابل قیاس است.

پاسخ مسلمانان به اینها چیست؟ روزنامه ترکی «دیلی صباح» چنین توضیح می دهد: «بنظر می رسد، آزادی انتقاد از ادیان مختلف از دید جهان بینی غرب کاملا قابل قبول است، اما تفاوتها تعیین کننده ای بین این درک از آزادی و درک مسلمانان از دین وجود دارد. همزیستی فرهنگی اروپائیان دین باور و غیرمعتقد در جامعه اروپا ممکن است. بدین سبب، موضوع اعتقاد از مدتها پیش عنصر تعیین کننده هویت آنها شناخته نمی شود. اما مسلمانان مسئله ایمان را عنصر اصلی هویت خود می دانند. و اروپائیان با نفی دین مسلمانان، در واقع هویت آنها را رد می کنند و امکان موجودیت آنها را در اروپا زیر سؤال می برند. بدین ترتیب، باصطلاح تکثرگرایی اروپائیان به حرف پوچ تبدیل می شود. آنها در اصل معنویت واحد را به بوته آزمایش گذاشته اند، اما آن تکثرگرایی را که آنها عملا با آن مواجه هستند، بعنوان پدیده عجیب و غریب تصور می کنند و ناچارا بهای آن را با بالاترین نرخ می پردازند. اروپا، در واقعیت امر، آپارتاید معنوی را به آزمون گذاشته است».

روزنامه چینی گلوبال تایمز «ریشه دوانی عمیق حس برتری در میان ملل اروپا» را مورد توجه قرار داده است.

اتحاد سوسیالیستهای انگلیس حتی با لحن تندتر از آن می نویسد: «موضعگیری علیه افراطگرایی فقط در صورتی که اگر هدف در هم شکستن چرخه بی پایان فقر و نا امیدی ایجاد شده توسط ما باشد، معنی می یابد. غرب سالها بر آتش این توحش در لیبی، عراق و سوریه دمید، اما اهمیت این جرم ارتكابی خود را هنگامی که خود آن به خانه ما هجوم می آورد، درک می کند. زمانی که همان توحش مسئول حادثه «شارلی هبدو» لیبیائی

ها و سوریه را کشتار می کند، فریادهای از همه بلندتر پس از آن مطلقاً بگوش نمی رسد. اکثریت مطلق قربانیان تروریسم را مسلمانان تشکیل می دهند. فقط پس از آنکه ما بدلیل دهها سال اقدامات و فعالیتهای امپریالیستی، استعماری، اشغالگرانه و تهاجمات بی رحمانه اظهار ندامت بکنیم، نوبت عذرخواهی مسلمانها بخاطر هیولایی که در پاسخ به ما ایجاد کردند، فرامی رسد. دولت های فرانسه و انگلیس یکی مسئولان اصلی خونریزیها، هرج و مرج و خشونت در لیبی و سوریه می باشند. ما حتی نزدیکترین متحد سعودیهای هستیم. ما به آنها تسلیحات می فرستیم و سازمانهای امنیتی آنها را آموزش می دهیم. ما با خانواده های سلطنتی دوستی می کنیم. و همه اینها، با وجود این واقعیت است که ما در سیمای سعودیها با باندهای جنایتکاری سر و کار داریم که تروریسم را در سراسر منطقه پرورش می دهند و تأمین مالی می کنند. این تروریسم طی سالهای اخیر بسیار بیش از «دولت اسلامی» نوظهور سر انسان بریده است. کشتار پاریس با هیچ چیز قابل توجیه نیست، اما نباید تظاهر کرد. اگر ما واقعا هم آنچه را که در پاریس اتفاق افتاد، تقبیح می کنیم، بایستی آنچه را که در لیبی و سوریه رخ می دهد، تقبیح کنیم، باید کشتار انسانهای بی دفاع غزه بنام دمکراسی را محکوم کنیم. افراط گرایی از افراطی گرایی می زاید. کی می خواهیم این را درک کنیم؟»

سؤالات در هوا می مانند. به احتمال زیاد، بی پاسخ خواهند ماند. غرب در موقعیت درک آن نیست که مرز طبیعی «آزادی بیان» محبوب آنها به تمسخر ادیان منتهی می شود. عذرخواهی تحریک آمیز، فلسفه وجودی «شارلی هیدو» بوده و هست، و انتشار نسخه جنجالی آن در تیراژ بسیار بزرگ می تواند به افزایش شمار کسانی (قاتلان جدید) بیانجامد که حاضرند اسلحه بدست، «انتقام محمد» را بگیرند. و آنها تخم مرگ را در شهرهای اروپا که آگاهانه بسوی تشدید رویارویی با دنیای بزرگ اسلام گام برمی دارد، خواهند افشاند.